



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۵

## واکاوی سازوکار انقباض شهری و وابستگی آن با فرهنگ برنامه ریزی (مورد پژوهی: منطقه ۸ کلانشهر تبریز)

پویا جودی (استادیار شهرسازی دانشکده مهندسی علوم زمین، دانشگاه صنعتی اراک، اراک، ایران، نویسنده مسئول)

[pouya.joodi@gmail.com](mailto:pouya.joodi@gmail.com)

سمانه حبیبی (دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

[s.habibi97@yahoo.com](mailto:s.habibi97@yahoo.com)

سروش مختاری اقدمی (دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

[suroushmokhtari@gmail.com](mailto:suroushmokhtari@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

صص ۳۷-۲۱

### چکیده

ساختارهای شهری همواره متحمل دگرگونی‌های دائمی بوده و متأثر از عوامل درونی و بیرونی، رشد و انقباض را در جمعیت خود تجربه کرده‌اند. برنامه‌ریزی برای شهرهای در حال انقباض دیگر تحت پیش‌گزاره‌های رشد شهری معنادار نیست و نیازمند تغییر به پارادایم دیگری است. از این رو چالش شهرهای در حال انقباض، پتانسیل ایجاد زمینه تغییر در فرهنگ برنامه‌ریزی را نیز دارا می‌باشند. انقباض شهری به عنوان پدیده‌ای که به لحاظ تجربی انگاشت‌پردازی شده، ناشی از میانگین محرک‌های متغیر انقباض در سطوح مختلف فضایی است که به کاهش جمعیت در مقیاس محلی منجر گشته و ممکن است با افت اقتصادی و تغییرات جمعیتی نیز همراه باشد. هدف این پژوهش شناسایی و بررسی عوامل و محرک‌های تأثیرگذار بر انقباض شهری در حال رخداد در منطقه ۸ کلانشهر تبریز و نیز بررسی پیامدها و اثرات ناشی از این پدیده بر برنامه‌ریزی می‌باشد که منجر به عدم توانایی منطقه در جذب و نگهداشت جمعیت شده است. بدین ترتیب در راستای دستیابی به هدف پژوهش از روش تحقیق ترکیبی متوالی اکتشافی بهره گرفته شده است. نتایج تحلیل حاکی از آن است که پدیده انقباض شهری ناشی از مؤلفه‌هایی است که در بستر برنامه‌ریزی ساختار فضایی بررسی شده و متناسب با شرایط و ویژگی‌های هر محیط، تعیین می‌گردد. در منطقه مورد مطالعه نیز عوامل و محرک‌های کاهش جمعیت شناسایی شده به ترتیب در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، آلودگی محیطی و منظر شهری بیش‌ترین میزان اثرگذاری بر رخداد این پدیده را دارا می‌باشند.

**کلید واژه‌ها:** انقباض شهری، فرهنگ برنامه‌ریزی، ساختار فضایی، کلان شهر تبریز.

## ۱. مقدمه

ساختارهای شهری همواره دستخوش تحولات مداوم بوده و تحت تأثیر اثرات خارجی و عوامل داخلی، نوعی از زندگی شهری را تشکیل می‌دهند؛ که به طور مستمر بر یکدیگر اثر می‌گذارند و یک زنجیره پیچیده از فعل و انفعالات متقابل را شکل می‌دهند. هیچ ساختاری همواره ایستا نیست تا الگوی واحدی را برای خود حفظ کند، بلکه هر ساختاری به این واقعیت منجر می‌شود که با توجه به شرایط می‌تواند همزمان رشد کرده و یا کوچک شود. این چرخه پیچیده که از ابعاد مختلفی شکل گرفته و رشد و تنزل آن به طور گسترده روی جنبه‌های ساختاری یک شهر تأثیر می‌گذارد؛ نمایانگر تحولات شهر در صورت‌بندی‌های مختلف می‌باشد که از ادوار گذشته تا کنون برای شهرها و کشورهای مختلف ناشی از عوامل و شرایط دخیل در آن، شکل ویژه‌ای به خود گرفته است. از این رو با روند رو به رشد جمعیت جهان، گفتمان اصلی که برنامه‌ریزی فضایی، طراحی و سیاست را دنبال می‌کند عبارت‌اند از: تسهیل در رشد پایدار شهری، تدوین راهبردهایی برای استقرار جمعیت بیشتر در سطح کنونی شهر و نگهداری از فضاهای باز که به وسیله فشار جمعیتی به چالش کشیده می‌شوند. با این وجود همچنان انقباض جمعیتی<sup>۱</sup> به مثابه یکی از محرک‌های پدیده پیچیده "انقباض شهری"، زمانی که فوریتی در مقیاس کلان ندارد، به ندرت در سیاست‌های فضایی، طراحی یا برنامه‌ریزی مورد توجه قرار می‌گیرد (ویچمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ گب هاردی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ سگرس<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). مکان‌ها زمانی "در حال انقباض" مورد خطاب قرار می‌گیرند که به طور موقت حدود ۱۰ درصد و یا سالیانه بیش از ۱ درصد از ساکنان خود را از دست بدهند (أسوال<sup>۵</sup> و ریتس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶، ص. ۱۵۶). انقباض شهری که همچنین افول شهری<sup>۷</sup> خوانده می‌شود "به مثابه یک پدیده تجربی منتج از میان‌کنش محرک‌های متغیر انقباض در سطوح مختلف فضایی (از منطقه‌ای تا جهانی)"، انگاشت پردازی شده است که باعث کاهش جمعیت در مقیاس محلی می‌شود. این محرک‌ها ممکن است با رکود اقتصادی، تغییرات جمعیتی و تغییرات سیستم سکونتگاه‌ها در قالب حومه‌نشینی و پراکنده‌روی<sup>۸</sup> نیز مرتبط باشد (هسه<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۴. به نقل از سگرس و همکاران، ۲۰۱۹). از این رو کاهش جمعیت چه در پهنه‌ی یک سرزمین و یا در بخشی از یک شهر؛ که ناشی از تحولات هر کدام از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، کاهش نرخ باروری، انحلال سیستم سیاسی جامعه، مهاجرت، کمبود فرصت‌های شغلی، حومه سازی و نظایر آن می‌باشد، با اثرات مختلفی همچون کاهش رونق اقتصادی، بیکاری و فقر، کمبود نیروی کار، از دست رفتن سرمایه‌ی اجتماعی، رشد نامتوازن جمعیت در سازمان فضایی شهر، خانه‌های

1. Demographic shrinkage
2. Wiechmann
3. Gebhardi
4. Segers
5. Oswalt
6. Rienets
7. Urban decline
8. Sprawl
9. Haase

خالی از سکنه و زمین‌های ساخته نشده در بافت داخلی شهر و غیره همراه می‌باشد (پالاگست<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸؛ هارت<sup>۲</sup> و وارکتین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷؛ گیلچر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳؛ روشلا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳).

در سال ۲۰۱۳ شهر<sup>۶</sup> به تأثیر کالبد و جمعیت بر عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر در از دست‌دادن جمعیت اشاره نموده و با بیان اینکه یکی از دلایل اصلی انقباض شهری، می‌تواند حومه‌سازی و مهاجرت‌های ناشی از بیکاری باشد، مشکلات اساسی در مواجهه با این پدیده را در ۴ دسته کلی اقتصادی/ مالی<sup>۷</sup>، فیزیکی<sup>۸</sup>، اجتماعی<sup>۹</sup> و کیفیت زندگی<sup>۱۰</sup> تقسیم‌بندی می‌کند. از طرفی برخی از نویسندگان همچون ترپ<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۳) تحت تأثیر تفکرات برنامه‌ریزی فضایی، رویکرد سبب‌سازی یا سبز کردن<sup>۱۲</sup> را به عنوان یک رویکرد جدید در برنامه‌ریزی فضایی و یک اقدام احیاگر و همچنین به عنوان رویکردی با برنامه‌ها و اقدامات خرد و مشارکتی که می‌تواند راهکاری در جهت مقابله و کاهش اثرات انقباض شهری و توسعه مجدد شهرهایی که دچار کاهش جمعیت شده‌اند مطرح ساخته است. هارت و وارکتین (۲۰۱۷) نیز، در خصوص واگرایی جمعیتی شهرهایی که متأثر از ساختار اقتصادی و حاکمیتی محلی می‌باشند، راهکاری همراه با توسعه اقتصادی، فرهنگی و گردشگری در جهت بهبود وضعیت هسته‌ی داخلی شهرها و نگهداشت جمعیت ارائه می‌دهد. در سال‌های اخیر نیز پالاگست مباحث متعددی را در باب انقباض جمعیتی و فرهنگ برنامه‌ریزی بویژه در کشورهای اروپایی و آمریکایی مطرح ساخته است. همچنین وی و همکارانش (۲۰۱۸)، با توجه به مشابه بودن علل و تأثیرات انقباض در کشورهای مختلف و متفاوت بودن راه‌حل‌های پیشنهادی، به بررسی و تحقیقات تطبیقی بین‌المللی پرداخت و در پژوهشی قیاسی بین سه کشور آمریکا، آلمان و ژاپن راهکارهایی با استفاده از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و نیز مسائل مربوط به استفاده از زمین؛ فرهنگ برنامه‌ریزی متناسب با هر کدام ارائه می‌دهند.

بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۹۰ میلادی یک شهر از هر شش شهر در جهان به پدیده انقباض دچار شد، بطوریکه در دهه ۱۹۹۰ میلادی بیش از یک چهارم شهرها جمعیت خود را از دست دادند (روشلا، ۲۰۱۳، ص. ۷). در واقع انقباض شهری، همواره در سرتاسر جهان اتفاق می‌افتد، ولیکن؛ زمینه، دلایل و اثرات ناشی از آن‌ها متفاوت بوده و به همین جهت تاکنون تعریف واحدی از آن بدست نیامده است. با این وجود اکثر تعاریف بیان شده در متون نظری بر

1. Pallagst
2. Hartt
3. Warkentin
4. Gilcher
5. Roschla
6. Schafer
7. Economic & Fiscal Problems
8. Physical Decay
9. Social Problems
10. Quality of Life
11. Trapp
12. Greening

روند "از دست دادن جمعیت" در این مفهوم تاکید دارند (ویچمن، ۲۰۰۸؛ پالاگست، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸؛ کلووسکا<sup>۱</sup> و لوفی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳؛ هسه و همکاران، ۲۰۱۳؛ گب هاردی، ۲۰۱۵).

از دیدگاه هگر<sup>۳</sup> اصطلاح "Shrinkage" در واقع یک "روند مقابله طبیعی از رشد" یا "کاهش منفی" می باشد (گیلچر، ۲۰۱۳، ص. ۸۳). کاهش جمعیت شهر یا به عبارتی انقباض شهری همواره و در تمامی ادوار وجود داشته ولیکن گفتمان بین المللی و جامع در ارتباط با آن شکل نگرفته است. و غالباً در برنامه ریزی، اقتصاد و سرمایه داری تأکید بر رشد بوده فلذا سیاست همواره در انکار این واقعیت به سر برده به نحوی که حتی مزایای احتمالی انقباض را نیز نادیده می گیرد و همواره این موضوع در افکار عمومی، به مثابه سقوط یک شهر، منفی و آسیب زا تلقی می گردد. با این وجود، امروزه گفتمان برنامه ریزی در اروپا و برخی کشورهای توسعه یافته به طور فعالانه ای در باب انقباض شهری شکل گرفته و نشانه هایی از افزایش توجهات سیاسی و دانشگاهی به این نوع مشکل دیده می شود.

همانند مفهوم انقباض شهری، تعریفی معتبر بین المللی برای اصطلاح فرهنگ برنامه ریزی نیز وجود ندارد. در واقع معنای فرهنگ برنامه ریزی فراتر از سیستم های برنامه ریزی است و جنبه های فرهنگی و منطقه ای را تحت تأثیر قرار می دهد که از راه های خاص برنامه ریزی در مناطق مختلف فرهنگی تأثیر می گذارد. "فرهنگ برنامه ریزی" فی نفسه اصطلاحی علمی نیست و از این رو به واسطه نظریه ای واحد قابل تعریف نبوده و تعیین خاستگاه آن امری دشوار است. معمولاً فرهنگ برنامه ریزی به عنوان اصطلاحی یکپارچه کننده به کار برده شده است که جمعی از متغیرهای موجود در برنامه ریزی عملی را پوشش می دهد (جودی، ۱۳۹۸ به نقل از فورست، ۲۰۰۹).

بطور کلی سیاست ها و راهبردهای اعمال شده در مواجهه با انقباض شهری بسیار متنوع هستند. یک واقعیت جالب این است که چگونگی درک و پذیرش انقباض تا حد زیادی بر انتخاب رویکردهای برنامه ریزی در شهرهای کوچک شده تأثیر می گذارد. به همین منظور در بررسی تغییر راهبردها و سیاست های برنامه ریزی برای مقابله با انقباض شهری، همبستگی بین ادراک و راهبردها می تواند مفید باشد (پالاگست، ۲۰۱۷، ص. ۱۶). چرا که درک جامعه از انقباض، نقش مهمی در توسعه برنامه ریزی و راهبردهای اقتصادی دارد. لذا در جستجوی این همبستگی، نویسندگان دو روش شناسی را برای انقباض شهری ادغام کردند: یکی بر اساس مراحل ادراک از انقباض (فارک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵، ص. ۱۷۹) و دیگری بر اساس انواع راهبردها (دانیلزیک<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۲، ص. ۲۵). روش شناسی فارک چهار مرحله ادراک از کوچک شدن را بازنمایی می کند: نخست، مرحله نادیده گرفتن، جایی که افول، موقت و گذرا تلقی می شود. دوم، مشاهده بدون پذیرش<sup>۸</sup>، جایی که این پدیده تصدیق شده اما پذیرفته نشده است. سوم، پذیرش خاص، همراه یا

1. Kloska
2. Luffy
3. Hager
4. Natural counter process of growth
5. Furst
6. Farke
7. Danielzyk
8. Observing Without Acceptance

بدون ارتباط عمومی محدود، در جایی که تصمیم گیرندگان عمومی در مورد چگونگی مدیریت کاهش حدس می‌زنند و چهارم، پذیرش، جایی که راهبردهای رشد سستی دیگر دنبال نمی‌شوند (فارک، ۲۰۰۵، ص. ۱۷۹).

در نوشتار پیش‌رو بافت مرکزی شهر تبریز به عنوان مرکز ثقل جغرافیایی و انطباق آن با مرکز تجاری این شهر، که نطفه‌های شکل‌گیری این شهر و جذب جمعیت را می‌توان در آن جست، به‌عنوان مورد پژوهی در زمینه انقباض شهری انتخاب گردیده است. این منطقه همواره در ادوار گذشته به عنوان حیاتی‌ترین بافت تاریخی، فرهنگی و با کارکرد اقتصادی، نقش عمده‌ای را در پویایی اقتصادی-اجتماعی شهر تبریز و نگهداشت جمعیت ساکن در این منطقه ایفا کرده، با این وجود در دهه‌ی اخیر پدیده انقباض شهری را به خود تجربه کرده است. عوامل بسیاری همچون دسترسی، خدمات، کیفیت زندگی، مسائل اجتماعی-فرهنگی، آلودگی‌های محیطی و ظهور یک قطب اقتصادی جدید در شرق تبریز و تمایل بیشتر نسل جوان به حضور و فعالیت در آن، مرکز اقتصادی شهر را دچار چالشی عمیق مبنی بر عدم توانایی جذب جمعیت و مهم‌تر؛ عدم توانایی نگهداشت جمعیت موجود روبه‌رو ساخته است. بنابراین، نظر به وجود موارد زیادی از مطالعات انجام شده در حوزه ساختار فضایی شهری و منطقه‌ای و درک خلأ نظری در مورد مسأله انقباض شهری در این زمینه به ویژه در کشور ایران، کوشش این پژوهش بر آن بوده تا بواسطه مطالعه ویژگی‌های این پدیده در موردپژوهی‌های جهانی و شناسایی محرک‌های متغیر پدیده انقباض شهری در ساختار فضایی منطقه ۸ کلانشهر تبریز، به دست‌بندی علل اصلی ظهور این پدیده و پیامدهای ناشی از آن پرداخته و با سنجش کمی مؤلفه‌های بدست آمده از مطالعات کیفی، میزان تأثیرگذاری هر عامل بر پدیده انقباض شهری در این منطقه تعیین گردد.

## ۲. متدولوژی

گونه پژوهش حاضر بر حسب هدف از نوع توصیفی-تبیینی بوده و راهبرد پژوهش برای درک عوامل اثرگذار بر رخداد پدیده انقباض شهری و اثرات ناشی از این پدیده در ساختار شهری و برنامه‌ریزی فضایی از نوع راهبرد پس‌کاو می‌باشد. ضمن اینکه روش پژوهش بر حسب شیوه پرس و جو نیز از نوع روش تحقیق ترکیبی متوالی اکتشافی است. در این روش پس از گردآوری داده‌های کیفی از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته و تحلیل داده‌ها، به جهت اعتباریابی مؤلفه‌های استخراج شده، از روش کمی استفاده شده است. فنون و روش‌های گردآوری داده‌ها که از ویژگی کیفی بودن نیز برخوردار می‌باشند در دو بخش قابل تبیین است. در بخش روش کیفی پژوهش به جهت شناسایی ابعاد مختلف ساختار فضایی منطقه و بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار آن‌ها در موضوع مورد پژوهش و شناخت مطالعات رسمی صورت گرفته از نمونه مورد بررسی، از شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای و همچنین در راستای تحلیل‌های مکانی از نرم افزار ArcGIS استفاده شده است. روش پیمایشی جمع‌آوری اطلاعات در این روش به دو بخش؛ شیوه‌ی مشاهده‌ای، به جهت شناخت محرک‌های دفعی جمعیت در ابعاد کالبدی و فیزیکی و شیوه مصاحبه عمیق نیمه

ساختاریافته برای درک و تفهیم عمیق تر مسائل و کیفیت زندگی ساکنان منطقه، تقسیم بندی می گردد. شیوهی مصاحبه ای به کار رفته با نمونه گیری هدفمند به شیوه گلوله برفی از ۲۰ خانواده از ساکنان قبلی مهاجرت کرده منطقه صورت گرفته است. در ادامه نیز نتایج بدست آمده از مؤلفه های اثرگذار بر این پدیده در منطقه، در ۵ شاخص اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، منظر شهری و آلودگی های محیطی دسته بندی شده اند تا به جهت ارزیابی اعتبار یافته های کیفی پژوهش و درک کامل تری از این پدیده در منطقه، از یک روش کمی استفاده گردد. در روش کمی پژوهش نیز پیمایش انجام یافته از طریق پرسشنامه بوده و با پرسش های نسبتاً انعطاف پذیر بوده است. جامعه آماری از طریق روش نمونه گیری ساده غیراحتمالی و به صورت هدفمند بر اساس پرسش پژوهش از ۵۰ نفر از ساکنین قبلی مهاجرت نموده و ساکنینی که قصد فروش واحدهای مسکونی خود و خروج از منطقه را داشته اند انتخاب گردید. شایان ذکر است که این خانوارها به صورت غیر تصادفی با اطلاعات بدست آمده از دفاتر معاملات املاک فعال در منطقه انتخاب گردیده که برخی از آنها نیز از طریق تماس تلفنی صورت پذیرفت. در نهایت جهت تجزیه و تحلیل داده ها نیز پس از امتیازدهی به مؤلفه ها بر اساس نظرات کاربران و تشکیل ماتریس تصمیم گیری از مؤلفه ها و شاخص ها، و بی مقیاس سازی آنها به روش نرم، برای تعیین وزن مؤلفه ها، روش آنتروپی شانون به کار گرفته می شود و در نهایت برای رتبه بندی شاخص ها به جهت اثرگذاری آنها بر پدیده انقباض شهری از روش SAW به عنوان مناسب ترین روش رتبه بندی چند متغیره برای این پژوهش استفاده شده است.

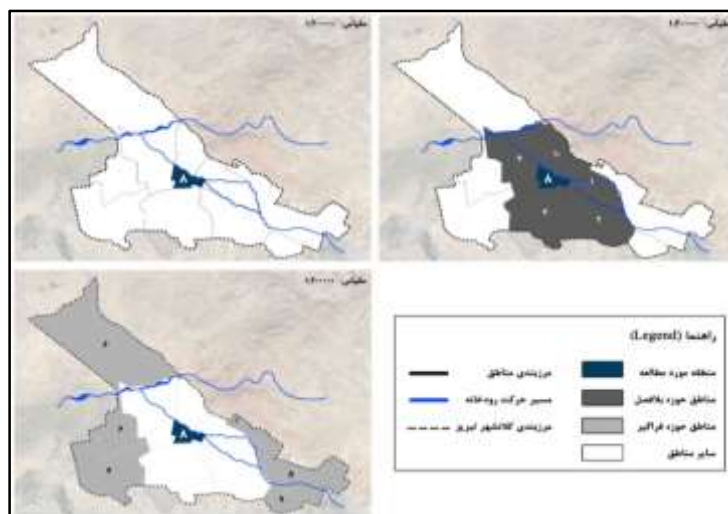
## ۲.۱. معرفی مورد پژوهی

منطقه ۸ کلانشهر تبریز با داشتن ۲ درصد از جمعیت کل شهر (۲۹۳۸۴ نفر) جز کم جمعیت ترین مناطق؛ همچنین به عنوان کم وسعت ترین منطقه شهر با مساحتی بالغ بر ۳۸۸ هکتار در بخش مرکزی و بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز می باشد (مطالعات شرکت مشاور نقش محیط، ۱۳۸۵). این منطقه در مجاورت مناطق ۱، ۲، ۳، ۴ و ۱۰ قرار گرفته است. محلات مستقر در این منطقه براساس حوزه بندی محلات شهر شامل محله بازار، شریعتی (شهناز)، مقصودیه، دانشسرا، منصور، بالاحمام (قره باغلی لار) و دمشقیه (تپلی باغ) می باشد.

### جدول ۱. ویژگی کلی منطقه ۸ تبریز

رتبه منطقه به لحاظ مساحت بافت فرسوده در بین مناطق دهگانه تبریز	درصد مساحت بافت فرسوده به کل بافت فرسوده شهر	مساحت بافت فرسوده (هکتار)	جمعیت منطقه	مساحت منطقه (هکتار)	منطقه ۸ شهرداری تبریز
۶	۶/۳۲	۱۵۸	۲۹۳۸۴	۳۸۷	

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه ۸ شهر تبریز نسبت به شهر و مناطق بلافاصل

جمعیت شهر تبریز در یک دوره ۶۶ ساله بیش از ۶/۵ برابر شده است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ این جمعیت به حدود ۱,۵۵۰,۰۰۰ نفر رسیده و این درحالی است که در طول دوره‌های گذشته نرخ رشد جمعیت شهر یکنواخت نبوده و بیشترین نرخ رشد جمعیت شهر مربوط به دوره ۶۵-۱۳۵۵ می‌باشد و کمترین نرخ رشد به بین سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ اختصاص دارد. یاجود این روند در شهر، آمار جمعیتی منطقه ۸ تبریز حاکی از آن است که از سال ۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت منطقه منفی بوده و بیشترین نرخ رشد منفی نیز مربوط به دوره ۵ ساله ۸۵-۱۳۷۵ با نرخ ۰/۸۴- درصد می‌باشد. البته گفتنی است که این منطقه از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ با شیب بسیار ملایم رشد مثبتی به خود دیده؛ هر چند بر اساس اطلاعات سازمان آمار و مطالعات طرح جامع در این بازه ۵ ساله نیز رشد جمعیت در منطقه ۸ یکنواخت نبوده؛ به طوریکه پیش بینی جمعیت منطقه ۸ برای سال ۱۳۹۱ در طرح جامع تبریز ۳۴۲۳۱ نفر بوده است. این درحالی است که جمعیت موجود در این سال برای منطقه ۸ حدود ۲۸۸۰۰ نفر بوده است و در برآورد افق طرح ۱۳۹۴ جمعیت پیش بینی شده ۳۰۲۷۰ نفر می‌باشد که آمار سال ۱۳۹۵ جمعیت منطقه را ۲۹۳۸۴ نفر نشان می‌دهد. همانگونه که ذکر گردید در همین دوره زمانی نرخ رشد منطقه ۸ با رشد منفی ۰/۸۴٪ می‌باشد. این مورد در مورد میزان مهاجرپذیری این منطقه نیز قابل بررسی می‌باشد. بطوریکه طبق آمار سال ۱۳۹۰ سهم هر کدام از مناطق تبریز (به غیر از منطقه ۹ که در حال شکل گیری است) از کل مهاجرین وارد شده به شهر در بازه بین ۵۰۰۰ - ۱۱۵۰۰ نفر می‌باشد. ولیکن این آمار برای منطقه ۸ معادل ۱۱۴۰ نفر است که این منطقه را در رتبه ۹ مهاجرپذیری قرار می‌دهد.

## ۳. یافته‌ها

## ۳.۱. ردیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر انقباض شهری به واسطه پژوهش کیفی

در بخش کیفی پژوهش، به ردیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر انقباض شهری از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته پرداخته شده است. شیوه مصاحبه‌ای (با پرسش‌های نسبتاً انعطاف‌پذیر) به کار رفته با نمونه‌گیری هدفمند به شیوه گلوله برفی از ۲۰ خانواده از ساکنان قبلی منطقه که مهاجرت نموده‌اند در ارتباط با علل عدم ادامه سکونت در منطقه صورت گرفته است و نتایج بدست‌آمده از مؤلفه‌های اثرگذار بر این پدیده در منطقه، در ۵ شاخص اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، منظر شهری و آلودگی‌های محیطی دسته‌بندی شده‌اند.

## ۳.۱.۱. بُعد اجتماعی - اقتصادی پدیده انقباض شهری

مشاهدات میدانی و نتایج حاصل از مصاحبه با ساکنین سابق در جهت شناخت شیوه زندگی اجتماعی در این منطقه، حاکی از آن است که در میان محلات منطقه ۸ شهر تبریز به ویژه محلات پیرامون بازار همچون راسته کوچه، دارایی و تربیت نیز مسئله جدایی‌گزینی با اثرات اجتماعی و فرهنگی همچون خروج ساکنین از محلات و کاهش تماس‌های بین طبقاتی و تعاملات اجتماعی، قابل مشاهده است و این روند رو به رشد جدایی‌گزینی فضایی ناشی از انقباض شهری در سطح منطقه، با مسائلی، همچون اختلال کارکرد مسکونی محلات مذکور به واسطه تراکم فعالیت تجاری و نمودهای عینی و ذهنی این فعالیت با شدت بیشتری رخ می‌نماید. از دیگر مظاهر پدیده انقباض شهری در این منطقه، خروج جمعیت و خالی شدن ساختمان‌ها و یا تغییر در نوع استفاده و عملکرد آن‌ها می‌باشد. این مسئله به ویژه در ساختمان‌های قدیمی که دچار فرسودگی کالبدی و بهره‌وری پایین شده‌اند به خصوص در محلات بازار، راسته کوچه، مقصودیه، خاقانی و تربیت که با عدم تمایل و یا عدم امکان ساکنین به نوسازی و نبود مشوق‌های سرمایه‌گذاری روبه‌رو هستند، بیشتر دیده می‌شود.

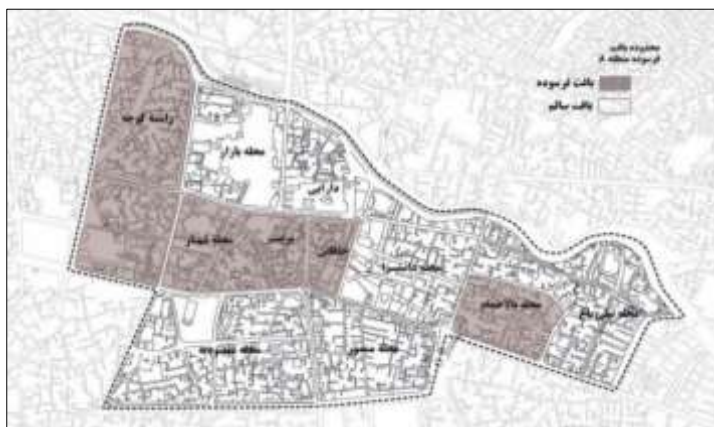
یکی از اثرات اجتناب‌ناپذیر پدیده انقباض جمعیت در ساختار فضایی منطقه ۸ شهر تبریز، تأثیر آن بر ابعاد اقتصادی و شرایط مالی می‌باشد. این تأثیرات هم به صورت مستقیم همچون هزینه ناشی از پایین آمدن بهره‌وری سیستم‌های زیرساختی و هزینه‌های تأمین زیرساخت‌های جدید در مناطق مقصد مهاجران از منطقه انقباض یافته، تغییر در میان درآمدهای مالیاتی و هم به صورت غیر مستقیم همچون جداگزیینی فضایی - اقتصادی، رشد نابرابر ارزش زمین، تمرکز جمعیت فقیر، عدم تمایل به نوسازی و مشارکت کاربران منطقه و نظایر آن می‌باشد. همچنین با توجه به اهمیت ایجاد جامعه‌ای پایدار و با همبستگی اجتماعی و افزایش توسعه اقتصاد اجتماع محلی، زیرساخت‌های اجتماعی به عنوان برنامه‌ها، تسهیلات و خدماتی که استاندارد زیستن و کیفیت زندگی را، در اجتماع محله‌ای حفظ کرده و بهبود می‌بخشند، نقش مهمی در برآورده ساختن این امر ایفا می‌کند. از این رو با توجه به اینکه آمار جمعیتی



سال‌های اخیر در کنار کاهش جمعیت منطقه ۸ حاکی از رشد جمعیت سالمند در این منطقه می‌باشد، از لزوم برنامه‌ریزی توسعه برای منطقه، ساماندهی مجدد زیرساخت‌های اجتماعی<sup>۱</sup> متناسب با افشار ساکن بافت می‌باشد.

### ۳. ۱. ۲. مسائل کالبدی در پدیده انقباض شهری

ناکارآمدی این منطقه غالباً ناشی از عوامل کالبدی همچون نفوذناپذیری و ناپایداری سازه‌ای کاربری‌ها، ضعف دسترسی قانونی، نبود ضوابط تشویقی به عنوان محرک‌های جاذب جمعیت و سرمایه‌گذار، توان مالی نسبتاً پایین ساکنان و پایین بودن ارزش اقتصادی زمین برای بازسازی و بهسازی مناطق مسکونی و همچنین در برخی محلات ضعف دسترسی فیزیکی به خدمات شهری که غالباً ناشی از نفوذناپذیری بافت است، می‌باشد. به طوریکه یکی از مهمترین مسائل کالبدی در این منطقه نیز وجود قطعات مسئله‌دار و پرچمی می‌باشد که معمولاً به علت عرض بسیار کم معبر یعنی عرضی کمتر از ۱٫۸۰ امکان دسترسی خودرو نبوده و یا فاقد پارکینگ برای ساکنان می‌باشند و به عبارتی از حدود ۶۹۰ معبر موجود در منطقه ۱۴۱ معبر و در واقع ۲۰/۴۳ درصد کل معابر منطقه دارای عرض کمتر از ۲ متر بوده و لذا سهم این گونه از قطعات مسکونی موجود در منطقه حدوداً ۸/۰۶ درصد از کل واحدهای مسکونی منطقه می‌باشد که از کل ۶۸۲۵ قطعه مسکونی حدود ۵۵۰ قطعه را شامل می‌شود و این مسئله به خصوص در محلات راسته کوچه، بازار و تربیت با شدت بیشتری مشاهده می‌شود. براساس مطالعات میدانی این پژوهش و مصاحبه با ساکنین منطقه غالب اینگونه واحدهای مسکونی یا از فضاهای باز و مخروبه داخل محلات و یا به ناچار از پارکینگ‌های اجاره‌ای استفاده می‌کنند. در مجموع ناکارآمدی بافت محلات منجر به رشد پدیده انقباض شهری در این منطقه به‌ویژه در محلات راسته کوچه، بازار، شهناز، خاقانی و بالاحمام گردیده است.



شکل ۲. محدوده بافت ناکارآمد منطقه ۸ شهر تبریز

### ۳.۱.۳. بُعد منظر شهری: سیمای شهر و تأثیر آن بر انقباض شهری

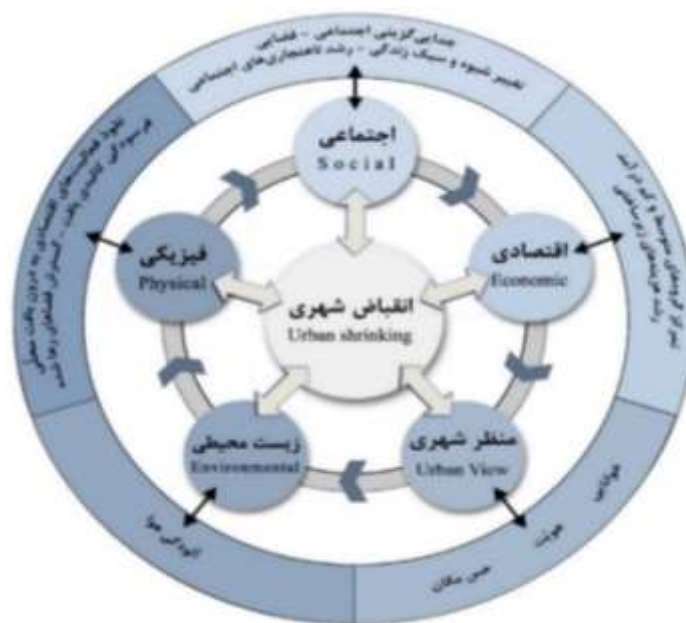
نشانه‌ها و ارزش‌های بصری را می‌توان مهمترین بخش از کیفیت‌های محیطی محسوب کرد که عامل تقویت و یا تضعیف حس مکان و نهایتاً تعلق خاطر افراد به محیط خود می‌شود. این پدیده نقش کلیدی و تأثیرگذار در هویت و مطلوبیت یک مکان یا جامعه دارد که نهایتاً دارای تبعات سازنده در اقتصاد مکان و جایگاه گردشگری آن است. لذا این ارتباط دو سویه بین سیمای شهر و حس مکان با پدیده انقباض شهری، به جهت اینکه اساس نگهداشت جمعیت در یک منطقه وابسته به میزان حس مکان افراد بوده و برای جذب جمعیت نیز به جهت اینکه تمایل بیشتر افراد به سکونت در مکانی است که سیمای مطلوبی از آن در اذهان عمومی شکل گرفته باشد، برقرار می‌باشد. به این ترتیب این منطقه با در برداشتن عوامل کالبدی همچون بناهای تاریخی و عناصر شاخص نشانه‌ای و غیر کالبدی همچون حس مکان و سیمای مطلوب که منجر شده بسیاری از ساکنین با وجود مسائل و مشکلات کالبدی و اجتماعی که در سال‌های اخیر ناشی از خروج جمعیت و افول انسجام اجتماعی بوجود آمده است، همچنان نسبت به مسئولیت خود در قبال محله پایبند بوده و رشته‌های تعلقشان به محله ناگسستنی شود.

### ۳.۱.۴. اثر بُعد زیست محیطی در انقباض شهری

مطالعات پژوهش حاضر در بررسی میزان شاخص‌های آلاینده‌های هوا در دو بخش آلاینده‌های اولیه و آلاینده‌های ثانویه حاکی از آن است که از ۱۰ ایستگاه سنجش آلودگی هوای استان، بالغ بر ۹ ایستگاه در کلانشهر تبریز قرار گرفته است. داده‌های مبتنی بر شاخص آلاینده‌های هوا شامل گازهای  $O_3$ ،  $NO$ ،  $NO_2$ ،  $SO_2$ ،  $CO$  و... که به صورت محدودی از طریق ایستگاه‌های سنجش آلاینده‌های هوای تبریز اندازه‌گیری شده‌اند، نشان می‌دهند که در سال ۱۳۹۶ ایستگاه سنجش راسته کوچه با بیشترین میزان میانگین شاخص‌های آلاینده‌های  $ppb$  برابر با ۱۶۰ و در سال ۱۳۹۷ نیز ایستگاه سنجش راسته کوچه با بیشترین میزان میانگین شاخص‌های آلاینده‌های  $ppb$  برابر با ۱۳۵ می‌باشند، میانگین شاخص‌های آلاینده‌های در ایستگاه سنجش باغشمال نیز در سال ۹۶ و ۹۷ به ترتیب ۱۰۶ و ۹۵ را نشان می‌دهد. بنابراین اطلاعات دریافتی از وضعیت شاخص آلودگی هوا در مناطق مختلف شهر تبریز نشان می‌دهد که ایستگاه‌های سنجش باغشمال و راسته کوچه با توجه به قرارگیری در محدوده‌ی مرکزی شهر بیشترین میانگین آلاینده‌های هوا را به خود اختصاص داده‌اند. در پژوهش حاضر براساس نظرات دریافتی از کاربران و به ویژه ساکنین منطقه ۸ تبریز، مسئله آلودگی هوا با توجه به اینکه این منطقه به عنوان محدوده‌ی مرکزی شهر دارای بیشترین میزان آلودگی هوا می‌باشد یکی از محرک‌های اصلی دفع جمعیت از منطقه در طی سال‌های اخیر بوده است و با افزایش میزان استفاده از اتومبیل و رشد حمل و نقل عمومی و ایجاد مراکز و قطب‌های فعالیتی در سایر نقاط شهر، عامل دسترسی به فعالیت‌های مرکز شهر، نمی‌تواند همچون گذشته به عنوان یکی از عوامل جذب جمعیت برای سکونت در بافت مرکزی ایفای نقش نماید و مسئله انقباض جمعیتی به همراه افزایش آلودگی هوا در این منطقه شدت بیشتری گرفته است.

بر اساس آنچه که در مطالعات بخش کیفی پژوهش ردیابی و شناسایی عوامل دخیل در رخداد پدیده انقباض شهری در نمونه مورد مطالعه تحقیق حاصل گردید، مشخص می‌گردد که این عوامل و مؤلفه‌ها در ابعاد مختلف

ساختار فضایی قابل دسته‌بندی می‌باشند. بدین جهت در تعیین چارچوب مفهومی پژوهش مؤلفه‌های استخراج شده از بخش کیفی به صورت یک سیستم یکپارچه و متصل به هم در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، آلودگی محیطی و منظر شهری و در ارتباط متقابل با پدیده انقباض شهری و سایر ابعاد قرار می‌گیرند.



شکل ۳. مدل مفهومی حاصل از روش پژوهش کیفی

### ۲.۳. اعتباریابی یافته‌های کیفی به واسطه روش پژوهش کمی

در این پژوهش با پرداختن به این مسئله که چه عوامل و محرکه‌هایی در منطقه ۸ کلانشهر تبریز به‌عنوان نطفه‌ی شکل‌گیری شهر و قطب اصلی اقتصادی آن، منجر به بروز روندی از رشد منفی جمعیت در آن شده است، می‌توان به اثرات قابل توجهی در ابعاد مختلف از این پدیده در منطقه دست یافت که متأثر از یکدیگر، عدم توانایی جذب و نگهداشت جمعیت را در منطقه رقم می‌زنند. در یک نتیجه‌گیری، براساس تحلیل محتوای کیفی مطالعات پژوهش عوامل اثرگذار بر رخداد پدیده انقباض شهری در منطقه ۸ کلانشهر تبریز در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، منظرشهری و آلودگی‌های محیطی طبقه‌بندی گردیده‌اند و برای ارزیابی شدت اثرگذاری هر بُعد بر این پدیده و نیز ردیابی اعتبار بیشتر یافته‌های بخش کیفی، روش کمی به کار برده شده است. در این بخش به رتبه‌بندی ابعاد طبقه‌بندی شده براساس وزن داده شده به مؤلفه‌ها توسط کاربران این منطقه<sup>۱</sup>، به روش وزندهی آنتروپی شانون و

۱. برای ارزیابی اهمیت متغیرهای استخراج شده از نتایج پژوهش کیفی و تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری چند معیاره، پرسشنامه پژوهش به گونه‌ای تدوین گردید که کاربران بتوانند میزان ترجیح خود را نسبت به هر متغیر مبنی بر شدت اثرگذاری آن بر تمایل و یا عدم تمایل به سکونت در منطقه ۸ را، در طیفی از اعداد بین ۱ تا ۱۰ بیان کنند. در این فرآیند، پرسش‌ها به طور هدفمند از طریق روش نمونه‌گیری ساده غیراحتمالی از جامعه آماری بیش از ۵۰ نفر از ساکنین قبلی مهاجرت نموده از منطقه و ساکنینی که قصد فروش واحدهای مسکونی خود و خروج از منطقه را

رتبه‌بندی SAW پرداخته شده است. در این روش ابتدا ماتریس تصمیم‌گیری فازی بر اساس اعداد فازی مؤلفه‌ها که توسط کاربران تعیین گردیده تشکیل شده و با نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم به روش نرم و تعیین وزن ابعاد به روش آنتروپی شانون به رتبه‌بندی ابعاد در میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر پدیده انقباض جمعیتی در منطقه ۸ به روش رتبه بندی SAW می‌پردازیم.

### ۳.۲.۱. تعیین وزن مؤلفه‌ها به روش آنتروپی شانون و محاسبه مطلوبیت گزینه‌ها به روش SAW

پس از نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری چند معیاره، از روش آنتروپی شانون برای تعیین وزن مؤلفه‌ها استفاده می‌گردد. به دلیل تأثیرگذاری مستقیم و متقابل مؤلفه‌ها در این پدیده، جنس شاخص‌ها مثبت در نظر گرفته شده است و همچنین پس از تعیین مقدار آنتروپی توسط فرمول‌های تعیین شده، به جهت اینکه در این روش بیشترین وزن به شاخص با بیشترین درجه انحراف داده می‌شود لذا برای تعیین وزن مؤلفه‌ها درجه انحراف معیار محاسبه گردیده و در نهایت وزن نهایی شاخص‌ها تعیین می‌گردد.

برای تعیین رتبه‌بندی گزینه‌ها با ضرب ماتریس بی مقیاس شده در اوزان شاخص‌ها میزان مطلوبیت هر گزینه حاصل می‌گردد و رتبه هر گزینه براساس امتیازهای اولیه داده شده توسط کاربران تعیین می‌گردد.

### جدول ۲. تعیین مطلوبیت گزینه‌ها

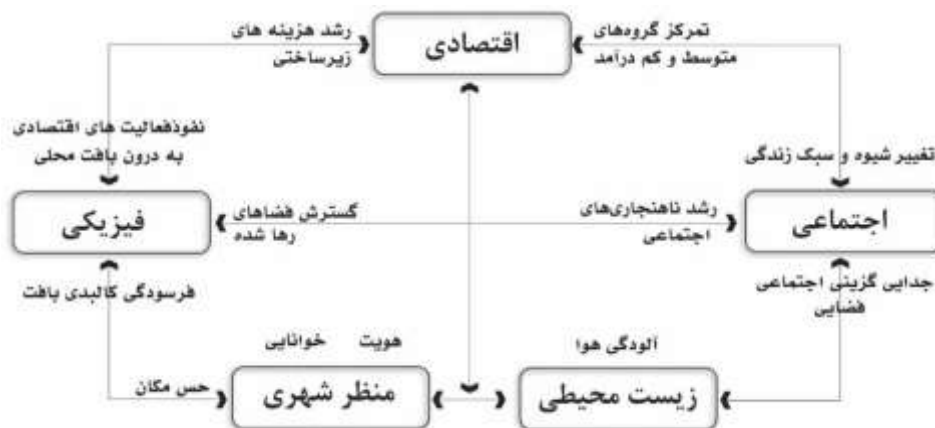
رتبه هر گزینه	میزان مطلوبیت گزینه‌ها	گزینه‌ها
۲	۰/۴۰۳	اجتماعی
۳	۰/۳۸۹	اقتصادی
۱	۰/۴۸۸	کالبدی
۵	۰/۳۴۰	زیست محیطی
۴	۰/۲۶۲	منظر شهری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

نتایج حاصل از بررسی کمی و کیفی عوامل اثرگذار بر این پدیده در منطقه حاکی از آن می‌باشد که با توجه به فرسودگی کالبدی این منطقه و عدم توانایی آن در تأمین نیازهای کالبدی کاربران اعم از نیازهای دسترسی، همچون نفوذپذیری محلات، امکان دسترسی خودروها به پارکینگ ساختمان‌ها و عرض کم معابر و یا فرسودگی بناها و عدم بازسازی آن‌ها و نیاز به فضاهای باز و یا وجود فضاهای رها شده بسیار در درون بافت محلی و همچنین نفوذ کاربری‌های ناسازگار با کاربری مسکونی به خصوص با توجه به وجود مراکز تجاری و کاربری‌های وابسته به آن‌ها همچون کارگاه‌های تولیدی و یا انبارها در این منطقه و ازدحام ترافیک خودروها در درون بافت، ابعاد کالبدی با مقدار

داشته‌اند صورت گرفته است. با استفاده از روش تحلیل داده، نتایج امتیازهای داده شده به متغیرها توسط کاربران، در ماتریس تصمیم‌گیری به صورت اعداد فازی درآمده است.

امتیاز ۰/۴۸۸ بیشترین تأثیر را در انتخاب محل زندگی و یا ادامه حضور افراد در این منطقه دارا می‌باشد و ابعاد اجتماعی با تأثیرگذاری مؤلفه‌های جدایی‌گزینی فضایی و اجتماعی و به خصوص تغییر سبک و شیوه‌ی زندگی خانواده‌ها با ورود جریان فکری مدرنیته در آن، به خروج ساکنان از این منطقه می‌انجامد که رشد ناهنجاری‌های اجتماعی را همراه با افول انسجام اجتماعی محلات به همراه دارد، با مقدار امتیاز ۰/۴۰۳ در رتبه بعدی قرار می‌گیرد و در مرتبه سوم از اثرگذاری بر رخداد این پدیده، بُعد اقتصادی با امتیاز ۰/۳۸۹ قرار دارد که با رشد هزینه زیرساخت‌های نرم و سخت تمایل خانواده‌ها به ادامه حضور و سکونت در منطقه کاسته شده و غالباً با خروج گروه‌های با درآمد مالی بالاتر از منطقه شاهد تمرکز گروه‌های کم درآمد و متوسط جامعه می‌باشیم. آلودگی هوا نیز با مقدار امتیاز ۰/۳۴۰ به‌عنوان یکی از گزینه‌های مهم انتخاب محل سکونت، برای بسیاری از خانواده‌ها به خصوص با رشد جمعیت سالخورده در این منطقه به شمار می‌رود و عواملی همچون هویت و حس مکان و خوانایی که بیشتر از جنبه‌های مثبت این منطقه در جهت جذب و نگهداشت جمعیت محسوب می‌شوند، با شدت اثرگذاری کمتری عمل می‌کنند. در حالیکه وجود بالقوه این مؤلفه‌ها در منطقه ۸ تبریز در صورت تقویت سایر ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در جهت نگهداشت جمعیت، می‌تواند جزء عوامل متمایزکننده این منطقه از سایر مناطق شهر باشد. نمودار زیر نشان‌دهنده روابط بین عوامل تأثیرگذار بر پدیده انقباض شهری در منطقه می‌باشد.



شکل ۴. روابط بین عوامل تأثیرگذار بر رخداد پدیده انقباض شهری در منطقه ۸ تبریز

#### ۴. بحث

با ردیابی پژوهش‌های پیشین به جهت قیاس از منظر یافته‌ها و رهیافت‌های آن‌ها، مطالعات در حوزه پدیده انقباض شهری در ابعاد و مقیاس‌های مختلفی در سراسر جهان انجام یافته ولیکن در چند رویکرد و دسته کلی قابل تفکیک می‌باشند. برخی از این پژوهش‌ها به «تحلیل نوع فرهنگ برنامه‌ریزی» کشورهای مختلف از جمله آمریکا، آلمان و ژاپن در مواجهه با انقباض شهری پرداخته‌اند ولی عمده آن‌ها در مقیاس شهر طرح شده و به مقایسه تحلیلی

کلانشهرهای دنیا با فرهنگ‌های برنامه‌ریزی مختص هر جغرافیا اقدام نموده‌اند. دسته‌ای از پژوهش‌ها رابطه میان مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اقتصادی، برنامه‌ریزی فضایی، برنامه‌ریزی مشارکت اجتماعی و در نتیجه رخداد پدیده انقباض شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش‌ها تفاوت‌های ساختار فرهنگ برنامه‌ریزی و راه‌حل‌های پیشنهادی با توجه به مشابه بودن علل و تأثیرات انقباض در کشورهای مختلف بیش از همه مد نظر بوده است. پژوهش‌هایی نیز به دنبال تدوین برخی مقررات و اقدامات در جهت بهبود وضعیت هسته‌ی داخلی شهرها و نگهداشت جمعیت همراه با توسعه اقتصادی، فرهنگی و گردشگری بوده‌اند. تلاش برای الگوسازی و تدوین رویکرد سب‌سازی یا سبز کردن<sup>۱</sup> نیز رویکردی فضایی است که در دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها دنبال شده است و به اثرات فرایندهای توده‌ای<sup>۲</sup> از مراکز شهری در نتیجه حومه‌سازی و گسترش شهرپرداخته شده است. در ایران اما علارغم به چالش کشیده شدن شهرهای کوچک در از دست‌دادن جمعیت و سرازیر شدن جمعیت به کلانشهرها در دهه‌های اخیر و در مقیاس کوچک‌تر، سرازیر شدن جمعیت ساکن از مرکز شهر به نواحی پیرامونی در برخی شهرهای بزرگ، غالباً سیستم‌های برنامه‌ریزی و مدیریتی کشور به این مسئله به عنوان یک پدیده انقباض شهری جمعیتی نپرداخته‌اند. این در صورتی است که بایستی این مسئله را در قامت سیاست پژوهی مورد مطالعه قرار داده و ابعاد مختلف پدیده را از سطح جابجایی جمعیت بین شهرهای کشور تا سطح خردتر یعنی خروج جمعیت از مناطق و محلات شهری بصورت جامع بررسی کرد. لذا این پژوهش با در نظر گرفتن اینکه در این دسته از مطالعات، تمرکز اصلی بیشتر در مقیاس مناسبات شهر بوده و تمامی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در تمامی محدوده‌ها و مناطق یک شهر به طور یکسان مورد ارجاع قرار می‌گیرد، مقیاسی میانی منطقه را زمینه و محل واکاوی مظاهر فضایی فرهنگ برنامه‌ریزی قرار دهد.

مقاله حاضر در تمایز روش شناختی خود با پژوهش‌های پیشین با بکارگیری روش‌های پژوهش ترکیبی، علاوه بر ردیابی مفاهیم و مولفه‌ها بواسطه روش کیفی، از روش کمی در سنجش تأثیرگذاری مولفه‌های مختلف استفاده برده تا علاوه تأیید صحت نتایج حاصل، میزان اثرگذاری هر مولفه در رخداد پدیده انقباض شهری و اثرات ناشی از آن مشخص گردد.

مشکلات مربوط به انقباض شهری تاکنون در مطالعات جهانی غالباً با مسائل مالی و اقتصادی، ابعاد کالبدی، مسائل اجتماعی، مناظر شهری و کیفیت زندگی در این مناطق و مشکلات ناشی از مهاجرت‌های خارجی، مسکن خالی، زیرساخت مورد استفاده و سایر اثرات منفی مشخص شده است. باین حال همچنان این ویژگی نیز در توصیف این پدیده و پیچیدگی آن ناقص می‌باشد، ضمن اینکه شرایط محیطی و سیستم مدیریت شهری منجر به تفاوت در علل رخداد این پدیده و اثرات ناشی از آن می‌شود. در مطالعات دلایل انقباض شهری در سیستم برنامه‌ریزی سایر کشورها بویژه کشورهای آمریکایی غالباً دو دلیل اصلی برای انقباض شهری مطرح می‌گردد، تمایل به حومه‌نشینی و مهاجرت‌های ناشی از بیکاری و فقر (پالاگست و همکاران، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸؛ هارت و وارکتین، ۲۰۱۷؛ گیلچر، ۲۰۱۳

1. Greening

2. Hollowing Out processes

؛ روشلا، ۲۰۱۳). درحالیکه مطالعات صورت گرفته در این پژوهش از منطقه ۸ کلانشهر تبریز حاکی از آن است که غالباً دلایل خروج افراد از منطقه وابسته به مسائل اجتماعی و فرهنگی و تغییر سبک زندگی افراد و محدودیت‌های توسعه ساخت و ساز در این منطقه به دلیل قرارگیری در بافت تاریخی شهر می‌باشد. به نحویکه غالب عوامل اقتصادی مورد طرح در مطالعات پیشین حول مسائل کاهش درآمد مالیاتی شهرداری ناشی از دست دادن جمعیت و نرخ مالیات وابسته به درآمد ساکنین و عدم توانایی به بازپرداخت سهم شهرداری‌ها در پروژه‌های بزرگ و هزینه‌های بالای تغییر و تامین زیرساخت‌های نرم و سخت با توجه به افزایش حومه‌نشینی بوده درحالیکه در منطقه مورد مطالعه این پژوهش شاهد رشد مناسب فعالیت‌های اقتصادی و حمایت شهرداری توسط سایر سازمان‌ها و نهادها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای هستیم. ولیکن این منطقه تحت تاثیر نابرابری ارزش زمین، عدم تمایل به نوسازی و مشارکت توسط مردم ضمن پایین بودن ارزش اقتصادی زمین برای بازسازی و بهسازی مناطق مسکونی و محدودیت‌ها و ضوابط ساخت و ساز در بافت تاریخی، پایین آمدن بهره‌وری سیستم‌های زیرساختی می‌باشد. در مسائل کالبدی نیز در نمونه‌های پیشین خانه‌های خالی از سکنه به عنوان اصلی‌ترین مسئله مطرح گردیده و در نمونه مورد مطالعه این پژوهش علاوه بر کاهش نرخ سکونت، جایگزینی استفاده از بناها به عنوان انبارها و مراکز تولیدی و کارگاهی و خدمات جانبی مراکز تجاری که غالباً بصورت غیرمجاز اتفاق می‌افتد به همراه میزان بالای فرسودگی کالبدی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. علاوه بر این یکی از محورهای اصلی تفاوت در مولفه‌های بررسی شده در ابعاد اجتماعی می‌باشد که در منطقه ۸ تبریز افراد به دلیل تغییر سلیقه و انحلال عملکرد مسکونی محلات بافت مرکزی تمایل به خروج از منطقه و سکونت در محلات جدید را دارند این در حالیست که در مطالعات پیشین غالباً بررسی‌ها از جهت مهاجرت ناشی از فقر و بیکاری و حومه‌نشینی در شهرهای غربی بوده که از نتایج این مسئله نیز تفکیک اجتماعی، و جدایی‌گزینی فضایی ناشی از اختلافات اقتصادی و فرهنگی است. یکی از ویژگی‌های متمایز مطالعاتی پژوهش حاضر بررسی نقش مسائل زیست‌محیطی در انتخاب محل سکونت توسط افراد می‌باشد که نتایج حاصل از مصاحبه با کاربران منطقه نشان‌دهنده اثرگذاری آلودگی هوا منطقه در انتخاب محل سکونت افراد است، که این مهم در غالب مطالعات پیشین محل بحث نبوده‌اند.

## ۵. نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر با روند تغییر از شیوه تولید به صنایع خدماتی و گسترش تکنولوژی و تأثیرات آن بر زندگی شهری، پدیده انقباض شهری به عنوان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌های توسعه در شهرهای بزرگ جهان، که با روند رو به کاهش جمعیت مواجه هستند؛ می‌باشد، چرا که هرکدام از عوامل و محرکه‌های شکل‌دهنده این پدیده در ارتباط با یکدیگر بوده و تأثیرات متقابل آن‌ها بر هم و برهم‌کنش آن‌ها بر فضا، چارچوب‌های پایداری، تعادل فضایی توسعه و رشد فضایی شهرها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو مواجه شدن شهرها با این پدیده هرچند با شتابی آرام، می‌تواند اثرات گسترده‌تر و بروز پدیده‌های بیشتری در زمان، مکان و ویژگی

نامشخص، در آینده شهر رقم بزند. علاوه بر این، جنبه‌های منفی انقباض هرچند در ارتباط با ساختار فضایی شهر قرار داشته، ولیکن به نظر می‌رسد این تئوری شهری نسبت به گفتمان برنامه‌ریزی فضایی اثرات بیشتری در مورد قابلیت زندگی در محلات ایجاد کرده است.

منطقه ۸ کلانشهر تبریز با وجود اینکه در حال طی کردن یک روند منفی از رشد جمعیت می‌باشد ولیکن همچنان مورد نادیده گرفته شدن این پدیده از جانب ساختارهای تصمیم‌گیری قرار گرفته است و این موضوع زمانی حساسیت بیشتری پیدا میکند که راهبردهای سیستم برنامه‌ریزی شهری براساس پیش‌بینی‌های جمعیت غیرواقعی به دنبال برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های جدید مسکونی و کاربری‌های وابسته به آن می‌باشند و این مسئله وجود دارد که راهبردهای منفعل کنونی نظام تصمیم‌گیری می‌تواند منجر به مسائلی همچون آسیب‌های اجتماعی و برهم ریختن نظام انسجام اجتماعی محلات و توسعه کالبدی نامناسب بافت مرکزی شهر با توجه به ویژگی تاریخی بودن و دارا بودن عناصر و فضاهای ارزشمند در آن و یا عدم توازن در پراکنش جمعیت و بسیاری از مسائل دیگر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آینده نه چندان دور گردد. درحالی‌که با پذیرش پدیده انقباض شهری و تغییر در فرهنگ برنامه‌ریزی و با بکارگیری راهبردهای گسترده همچون تمرکز بر هسته مرکزی شهر و محدود کردن روند رو به افول آن، بهبود و تقویت منظر ذهنی؛ با توجه به عناصر و فضاهای سرزنده منطقه و امکان ایجاد و یا تقویت فضاهای سبز و باز عمومی با ساماندهی فضاهای رهاشده، بهره‌گیری از سرمایه‌های بالقوه منطقه، تشویق به سرمایه‌گذاری و جذب مشارکت مردم و هماهنگی بخش خصوصی و عمومی در اقدامات توسعه منطقه، تمرکز بر توسعه جاذبه‌های گردشگری و با تاکید بر توسعه پتانسیل‌ها و دارایی‌های اجتماعی و فرهنگی همچون اماکن گردشگری و رویدادهای فرهنگی میتوان امیدوار بود که منطقه با روند روبه‌رشدی از جذب و نگهداشت جمعیت روبه‌رو گردد، چراکه با توجه به شرایط و ویژگی‌های منطقه و آنچه در این پژوهش دنبال گردید، پدیده انقباض شهری با پذیرش و ادراک صحیح آن توسط دستگاه‌های اجرایی و تغییر در فرهنگ برنامه‌ریزی و مدیریت متمرکز منابع محلی در جهت بهبود شرایط زیستی ساکنان؛ با هدف نگهداشت و جذب جمعیت می‌تواند به عنوان محرکه‌ای برای توسعه پایدار ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی منطقه عمل نماید.

#### کتاب‌نامه

۱. جودی، پ. (۱۳۹۸). بر ساخت داورهای برنامه‌ریزان در رهیافت فرهنگ برنامه‌ریزی. فصلنامه دانش شهرسازی، ۳(۱)، ۶۹-۵۵.
۲. لینچ، ک. (۱۳۹۵). کتاب سیمای شهر. ترجمه منوچهر مزینی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۳. مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، سازمان برنامه و بودجه کشور، تهران، ایران.
۴. مهندسان مشاور نقش محیط. (۱۳۹۲). طرح توسعه و عمران (جامع) شهر تبریز. جلد چهارم، تبریز: شناخت شهر.



۵. نگی هسه بایبر، ه. (۱۳۹۵). کتاب روش تحقیق آمیخته (به هم پیوستن نظریه با عمل). ترجمه مقصود فراستخواه با دستیاری زینب ترکمان، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
6. Danielzyk, R., Bernd, M., Zimmer-Hegmann, R. (2002). *Demographische entwicklung – schrumpfende*. Dortmund: Institut für Landes- und Stadtentwicklungsforschung des Landes Nordrhein-Westfalen (ILS).
  7. Farke, A. (2005). Salzgitter will und wird nicht schrumpfen – Wahrnehmungs- und Akzeptanzprobleme im Umgang mit Schrumpfung exemplarisch erläutert an einer Pilotstadt des Stadtumbau West'. in C. Weiske, K. Sigrun and C. Hannemann (eds). *Kommunikative Steuerung des Stadtumbaus*. Wiesbaden: Interessengegensätze, Koalitionen und Entscheidungsstrukturen in schrumpfenden Städten, VS Verlag für Sozialwissenschaften.
  8. Furst, D. (2009). Planning Cultures En Route To A Better Comprehension Of “Planning Process”? In J. knieling. & F. Othengrafen. *Planning culture in Europe: Decoding cultural phenomena in urban and regional planning*. Ashgate: Farnham.
  9. Gilcher, E. (2013). Changes in Planning Culture caused by Urban Shrinkage. The department International Planning Systems (IPS), University of Kaiserslautern Germany, *Plan It! 1*, 83-99.
  10. Haase, A., Bernt, M., Großmann, K., Mykhnenko, V., & Rink, D. (2013). Varieties of shrinkage in European cities. *European Urban and Regional Studies*, 23(1), 86-102.
  11. Haase, A., Grossmann, K., Rink, D., & Bernt, M. (2014). Conceptualizing urban shrinkage. *Environment and Planning A*, 46(7), 1519-1534.
  12. Hartt, M., & Warkentin, J. (2017). The development and revitalisation of shrinking cities: a twin city comparison. *The Town Planning Review (TPR journal)*, 88(1), 29-41.
  13. Kloska, K., Luffy, T. (2013). Lines of Development of Urban Shrinkage. The department International Planning Systems (IPS), *Plan It! 1*, 65-82.
  14. Oswalt, P., Rienits, T. (2006). Hatje Cantz Verlag. *Atlas of shrinking cities. Atlas der schrumpfenden Städte*. Ostfildern: Cantz. 58-69.
  15. Pallagst, K. (2008). *Shrinking Cities Planning Challenges from an International Perspective. Cities Growing Smaller* (Chap. 1) in: Urban Infill, Themenheft “Cities Growing Smaller”, Heft, 6-16.
  16. Pallagst, K., Fleschurz, R., & Said, S. (2017). What drives planning in a shrinking city? Tales from two German and two American cases. *The Town Planning Review (TPR journal)*, 88(1), 15-28.
  17. Pallagst, K., Fleschurz, R., Nothof, S., & Uemura, T. (2018). PlanShrinking - Trajectories of planning cultures in shrinking cities: the cases Cleveland/ USA, Bochum/ Germany, and Nagasaki/Japan. *The department International Planning Systems (IPS)*, 1, 1-40.
  18. Roschlau, V. (2013). Coherences between Shrinking and Planning Culture. The department International Planning Systems (IPS), *Plan It! 1*, 6-28.
  19. Schafer, T. (2013). The City of Providence. The department International Planning Systems (IPS), *Plan It! 1*, 29-44.
  20. Segers, T., Devisch, O., Herssens, J., & Vanrie, J. (2020). Conceptualizing demographic shrinkage in a growing region – Creating opportunities for spatial practice. *Landscape and Urban Planning*. 195(103711), 1-9.
  21. Trapp, F. (2013). Greening as a new Planning Strategy for Shrinking Cities? The department International Planning Systems (IPS), *Plan It! 1*, 45-64.
  22. Von Gebhardi, G. (2015). Shrinkage – Polarization – Re-Urbanization? The department International Planning Systems (IPS), *Plan It! 1*, 46-66.
  23. Wiechmann, T. (2008). Errors Expected - Aligning Urban Strategy with Demographic Uncertainty in Shrinking Cities. *International Planning Studies*, 13(4), 431-446.